



کتابخانه



سلام



حضرتِ « مهدی » در قرآن:

جلسه نهم - دی ماه ۱۳۹۸

« مورد » اول:

شاید « **واضحترین** » آیاتِ قرآن،

دربارهٔ « **حضرت مهدی** »

عجل الله تعالى فرجه الشريف،

آیات مربوط به « **ذو القرنین** » می باشد.

« مورد » دوم:

دومین آیاتِ «**روشن**» قرآن،

دربارہٗ «**حضرتِ مهدی**»

عجل الله تعالی فرجه الشریف،

آیاتِ پُر رمز و رازِ سورہٗ «**قدر**» است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (١)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (٢) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (٣)

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (٤)

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (٥)

» آيَةُ اَوَّل « :



« اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ »

« ما »، « او » را فرود آوردیم. «

نکتہ اول:



« هُ » چیست؟ یا کیست؟

چرا با « اسکورت » آمده است؟

« هُ »، « ضمیرِ » مفعولی است

و در تمام زبان‌ها،

« قبل » از ضمیر باید « اسم » باشد.

اما « چرا » اینجا ضمیر تنها آمده است؟

ما، «او» یا «آن» را نازل کردیم.

یعنی «او یا آن»، آنقدر «آشنا» است

که نیازی به «اسم» نیست

و همه «او یا آن» را «می‌شناسند».

شاید این «ه»،

اصلاً «اسمِ زمینی ندارد»:

آیا ممکن است خود این «ه»،

مرجع باشد؟ مرجع «کلّ شیء»؟.

A landscape photograph showing rolling green hills under a clear sky. A single, dark, leafless tree stands on a small rise in the middle ground. A yellow banner with a 3D effect is overlaid on the lower part of the image, containing Persian text.

« نمونه‌های » دیگر:

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ؟ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ

فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ

فَاغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (مائده/۱۴)

و از آنها که گفتند ما « حامی » هستیم هم « پیمان » گرفتیم

۱۸ اما آنها سهمشان از آنچه به آنها یادآوری شده بود را فراموش کردند و ما هم تا روز قیامت
میانشان دشمنی و کینه افکندیم و در آینده خداوند آنها را از آنچه می ساختند خبردارشان می کند.

قُلْ: «هُوَ» اللَّهُ أَحَدٌ.

«هُوَ» در اصل همان «هُ» است

که با «واو»، تداوم و استمرار یافته

و برای عمقِ جانِ انسان، بسیار آشنا است.

نکته دوم:



« **اَنَا** أَنْزَلْنَاهُ »،

« **مَا** »، « **أَو** » را فرود آورده‌ایم. «

« **أَو** با **مَا** فرود آمده. «، « **مَا** حاملانِ **أَو**ئیم. «

این « **مَا** » چه افرادی هستند؟

این جمعِ «**ما**» هر که باشند

باید سنخیتی با این «**ه**» داشته باشند

که در لباسِ «**کلام**» تجلی پیدا کرده،

تا بتوانند آن را «**فرو**د» آورند.

امام صادق صلوات الله عليه می فرمایند:

خداوند برای بندگانش در « **کلام** » خودش،

« **تجلی** » کرده است،

اما آنها (او را) « **نمی بینند** »:

« لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِعِبَادِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنْ لَا يُبْصِرُونَ. »

أُمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ هُمْ مَيِّ فَرَمَائِنْد:

فَتَجَلَّى لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ

مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَاوَهُ

خداوند در کتابش برای مردم «تَجَلَّى» کرده

بدون آنکه بتوانند او را ببینند. (خطبه/۱۴۷)

پس:

« کَلِمَةُ اللَّهِ، هِيَ الْعُلْيَا »

« کلام خدا، برترین است. »

« و این وجودِ برترِ خداوند است که کلامش را برتر می کند. »

پس²⁵ « هر کلامی » که « خالی از او » باشد، بی ارزش است.

پس خداوند با « کلامِ » خود دست به خلقت می‌زند
و اگر چیزی را اراده کند و بگوید: باش؛ پس می‌شود:

إِنَّمَا **أَمْرُهُ** إِذَا **أَرَادَ** شَيْئًا

أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ، فَيَكُونُ (صافات/۸۲)

پس « کلامِ او »، همان « **أَمْرِ او** » است.

و از این « کلام » و « **أمر** او »، « **روح** » هم پدید می‌آید:

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ

قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي

وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (إسراء/ ۸۵)

و درباره روح از تو می‌پرسند، بگو روح از (سنخ) امرِ خدای من است

و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است

پس این « هُ »،

« کلام الله » و « مجموعه قرآن » است

که « زنده » است و « حیات » می بخشد.

زیرا از « زنده » کار برآید که از « مُرده » ناید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛

اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ

لِمَا يُخَيِّكُمُ

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (انفال/ ۲۴)

ای اهل ایمان؛ وقتی خدا و رسول، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد
بپذیرید و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می شود و هم در نزد او محشور می شوید.

تمام مقدرات عالم به دستِ «**اللهُ نورُ**....» است،

و «**کلامِ**» او

«**نوری**» همراه با «**کتاب**» (و تنها راه هدایت) است:

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ **اللهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ** (مائده/۱۵)

قطعا برایتان از نزدِ خدا، روشنایی و کتابی روشنگر آمده است.

و «قرآنِ زنده»، فقط برای «**زندگان**» مفید است:

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ (٦٩)

لِيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا (یس / ٧٠)

و به او شعر نیاموختیم و این (ادعا) سزاوار او نیست و آن جز «یادنامه» و «قرآنی روشنگر» نیست

تا هر که را (که قلبش) **زنده** است، هشدار دهد.

که اگر فردی « **زنده** » بودن قرآن را نفهمد،

قطعا بهره‌ای از « **حیاتِ قرآنی** » نمی‌برد

و از « **هدایت** » آن محروم و در گمراهی می‌ماند:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ

الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْراً كَبِيراً (إسراء/ ۹)

نکته سوم:



محلّ « زندگی » انسان کجاست؟

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (۵۵)

وَقَالَ الَّذِينَ **أُوتُوا** الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ

لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ

فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۵۶)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (روم/۵۷)

آنانکه علم و ایمان یافته‌اند می‌گویند: قطعاً شما در کتاب خدا تا روز «بعث» مانده‌اید و این روز «برانگیختن» است ولی شما به علم خود اعتنا و توجه نمی‌کردید.

نکتہ چہارم:



قرآن، « **کجا** » فرود آمده است؟

« **کتاب الله** » بر « **کاغذ** » نازل نشده،

زیرا در آنصورت می گفتند: این « **سحر** » است:

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ

لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ (أنعام/۷)

و اگر « نوشته‌ای بر کاغذ » بر تو نازل می کردیم و آنها با دستشان لمسش می کردند

اهل کفر حتما می گفتند: این چیزی جز سحر آشکار نیست.

پس قرآن، « **کجا** » فرود آمده؟

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (١٩٢) نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (١٩٣)

عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ (شعراء/١٩٤)

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ

فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ

مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (بقره/٩٧)

نکتہ پنجم:



« إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ ... »

ما آن « هُ » را در « شَب » آوردیم.

پس قطعاً آن « نوری » است « شَب شكن »

که در لباسِ « کلام و کتاب » فرود آمده است.

نکتہ چشم:



« إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ »

ما آن « هُ » را در شبِ « قدر » آوردیم.

که « هر شبی » نیست و عظمتش به خاطرِ شبِ نیست،

بلکه به خاطرِ آن « زندهٔ روشنی بخش » است.

آن « **زنده‌روشنی بخش** »،

با ورودش به « زندگی تاریک » ما افراد بشر،

هر غفلت، ابهام، شک، تردید و جهالتی را از بین می‌برد

و « **قدر و تقدیر** » هر چیزی را نمایان می‌کند

و زمینه⁴⁵ « **رشد و سلامت** » همه را فراهم می‌آورد.

« آيَةُ دَوْم و سَوْم »:



نکتہ ہفتم:



وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)

۱- «عظمت شب قدر»، برای بشر قابل درک نیست.

۲- برکات آنشب، از هزار ماه «بدونِ هُ» بهتر است.

« آيۀ چہارم »:



تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (٤)

در آن (شبِ قدر، تمام) ملائکه با روح با اجازهٔ زمامدارشان

« برای هر امری » فرود می‌آیند.

نکته هشتم:



آن «أمر» چیست؟

حم (۱) وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ (۳)

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (دخان/۴)

ح.میم. سوگند به کتاب روشنگر* (که) ما آنرا در شبی فرخنده نازل کردیم زیرا ما،
هشداردهنده‌ایم* در آن (شب)، «هر چیز و کاری»، حکیمانه و استوار جدا می‌شود.

نکتہ فہم:



آن «روح» کیست؟ یا چیست؟

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِّنْ أَمْرِنَا

مَا كُنْتَ تَذَرَىٰ مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ

وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُوراً^{٥٦} نَهْدَىٰ بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا

وَإِنَّكَ لَتَهْدَىٰ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (شوری/ ۵۲)

پس آن^{۵۶} «روح، قرآن» و بالاترین رحمت الهی است.

چند « نکته » و یک « پرسش »:

۱- « ملائکه » مدبّرات امر می آیند، (چیزی نمی آورند).

۲- با « إِذْنِ الهی » می آیند، (پس نزد خدا نمی روند).

۳- هر « سال » می آیند، (تنزل، ملائکه خاصه می آیند).

۴- در « شَبِ قَدَر » می آیند، (در شب خاصه می آیند).

۵- برای (کسب تکلیف و تقدیر در) « تمامِ امور » می آیند،

سؤال: « کجا » فرود می آیند؟

چون برای «**تمامِ امور**» فرود می آیند،

پس حتماً باید «**خلیفهٔ خدا**» میزبانِ آنان باشد،

پس در هر «**شبِ قدری**»،

«**حجتی**» هست که «**تقدیر**» تمام امورِ جهان

و «**تکلیف**» تمام ملائکه و خلایق را مشخص کند.

نکتہ دہم:



«او» کیست؟

او، « **ولی امر** » است،

او، « **نطق** » آن « **ه** »

و « بالاترین تجلی **کلام** » الهی است.

او همان « نماینده تام الاختیار خداوند » است:

إِنَّا مَكْنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (کهف/۸۴)

آیہ پنجم :-



نکته یازدهم:



سَلَامٌ، هِيَ، حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

پس هر «شبی»

به برکتِ آن کلامِ «زندهٔ روشنی بخش»

شبِ «سلام و سلامتی» است.

چرا؟ چون رسالتِ آن، «**هدایت**» به نور و سلامتی است:

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (۱۵)

یا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ

۱- **سُبُلَ السَّلَامِ**

۲- **وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ**

إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ

اول: يَهْدِي **بِهِ** اللَّهُ
مَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ

دوم: وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (مائده/۱۶)

نکته دوازدهم:



« سلام » چیست؟

« سلام »، از یک منظر،

« برکت و سلامتی و امنیت » است،

که « فراهم کردن » آن برای همگان،

« مقصد اصلی اسلام » و مورد تأکید آنست.

و از منظر دیگر «سلام»، «کارت ویژه خودی ها» است،

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا

تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَايِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (نساء/۹۴)

ای اهل ایمان؛ وقتی در راه خدا سفر می کنید، با دقت رسیدگی کنید
و به آنکه به شما (إظهار) اسلام می کند، نگویید: تو مؤمن نیستی،

(تا با این بهانه) به متاع زندگی دنیا را برسید

پس خوب رسیدگی کنید که خدا همواره به آنچه انجام می دهید آگاه است

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ «يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا»

فَقُلْ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

(أنعام/٥٤)

وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى

(طه/٤٧)

و «سلام» از منظرِ سوم،

«مظاهرِ سلام الهی» هستند که

«سلامتی» را برای «افرادِ خاصی»،

«فراهم» می‌کنند:

قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ

عَلَيْكَ وَ عَلَى أُمَّةٍ مِّمَّنْ مَعَكَ

وَ أُمَّةٌ سَنُنْتَعِبُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (هود/۴۸)

گفته شد ای نوح فرود آی با سلام و برکاتی از ما برای تو و همراهانِ تو
و مردمی که در آینده برخوردارشان می‌کنیم

سپس (به خاطر ناشکری و نافرمانی)، از جانب ما عذابی دردناک به آنها می‌رسد

اما از منظرِ چهارم، «**سلام**»،

به «**عواملی**» گفته می‌شود که

برای «**حفظِ سلامتِ عمومی**»،

«**ریشهٔ اهلِ فساد**» را «**قطع**» می‌کنند:

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ؟ (٢٤)

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا: سَلَامًا

قَالَ: سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ (ذاریات/ ٢٥)

این « رسولان الهی » و « مظاهر سلام الهی »،
تمام مردم شهر حضرت لوط علیه السلام را مجازات و نابود می کنند،
و فقط « اهل ایشان » را نجات می دهند.

و همین عواملِ قدرتمند و « **مظاهرِ سلام** »،

آن « **نورِ شبِ شکن** » را تا « **مَطْلَعِ الْفَجْرِ** » (؟)

« **اسکورت** و **حفاظت** » می‌کنند

و در هیچ شرائطی، « **غایب** » نیستند:

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَ **مَا** كُنَّا غَائِبِينَ (أعراف/۷)

الامامُ المهديُّ عليه السلام : وَالْعَاقِبَةُ - بِجَمِيلِ صُنْعِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ - تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الْمَنَى عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ

امام مهدی علیه السلام فرمود: فرجام کار شیعیان - به فضل خداوند سبحان - تا آن زمان که از گناهان دوری گزینند پسندیده و نیکو خواهد بود

احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۴۷۰





خدایا:

بر شناختِ ما از «قرآن و عترت» بیفزای

و «حیات و نشاطِ قرآنی» به ما عطا کن

و ما را زمینه‌سازِ ظهورِ آخرین حجت قرار ده

و دیدارش و در رکابِ بودنش را روزیمان فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

